

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۰

غلامرضا خواجه‌سروی\*

حسین میرزایی\*\*

## چکیده

اغلب کارشناسان و محققان سیاسی معتقدند مساله ترکیه به‌ویژه تجربه اسلام سیاسی در این کشور اهمیتی ویژه در جهان اسلام داشته است. اسلام از آن رو که حامل نظامی از ارزش‌ها و اندیشه‌هایی است که می‌تواند نیروی مقابل غرب باشد و اینکه به پیروان خود قدرت پرکردن خلأهای معرفتی را می‌بخشد، امروزه به‌عنوان دشمن غرب معرفی گردیده است. از این رو مباحث مربوط به اسلام سیاسی و جنبش‌های اسلام‌گرا برای موسسات پژوهشی و نهادهای تصمیم‌گیری غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان، ظهور و پیروزی اسلام سیاسی در ترکیه به‌عنوان منطقه راهبردی و نقطه تلاقی غرب و شرق، اهمیت فوق‌العاده زیادی دارد. روند تحولات در ترکیه و حمایت وسیع گروه‌های اجتماعی از حزب عدالت و توسعه و موفقیت‌های آنان، نشان‌دهنده این است که اسلام‌گرایان مهره اصلی تحولات حال و آینده ترکیه می‌باشند. این مقاله در پی فهم اجمالی اسلام سیاسی و آینده اسلام‌گرایان در کشور ترکیه است.

کلید واژه‌ها: ترکیه، اسلام سیاسی، حزب عدالت و توسعه

\*\* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی (دانشگاه علامه طباطبایی)

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۱۳ - ۹۵.

## مقدمه

ترکیه کشوری است که اکثریت مردم آن کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند. این کشور عضو ناتو و متحد دیرین ایالات متحده آمریکاست. ترکیه دارای موقعیت راهبردی مهمی بوده و به تعبیری بین اسلام، مدرنیته و دموکراسی سکولار قرار دارد. سال‌های متمادی، فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه شاهد تقابل و منازعه گسترده و دامنه‌دار لائیسیم و اسلام‌گرایی بوده و همیشه لائیک‌ها تلاش کرده‌اند با استفاده از تمام ابزارهای فشار قانونی و گاهی غیرقانونی از جمله کودتا، فرصت و امکان رشد و قدرت‌یابی را از جبهه اسلام‌گرایی سلب و عرصه را بر این جریان تنگ سازند. به عبارت دیگر، در بیش از نیم قرن کمالیست‌ها تمام تلاش خود را در دورنگه داشتن اسلام از مسایل سیاسی به کار بستند.

آتاتورک می‌خواست ترکیه را وارد دنیای مدرن سازد، از این رو سکولاریسم را به‌عنوان ابزار سیاسی و تعلیمی به‌کارگرفت. او خط لاتین، تقویم گریگوری، کلاه اروپایی و جشن سال نو را بنیان نهاد. به عبارت دیگر اسلام را از صحنه عمومی خارج کرد. در دهه ۱۹۲۰ میلادی پدیدارشدن زنان در جامعه و طرح بحث حقوق آنان، بنیان طرح مدرنیسم انجمن کمالیست‌ها را موجب شد. بدین ترتیب اسلام و حضور اجتماعی آن رنگ باخت. کشمکش میان کمالیست‌ها و اسلام‌گرایان فراتر از حضور اسلام در مسایل سیاسی بود و حتی می‌توان گفت که نزاع اصلی بر سر نحوه اداره فضای عمومی کشور بود. مدرنیسم مورد نظر آتاتورک هیچ جایی برای اسلام‌گرایان باقی نگذاشت، اما این انزوا و محرومیت در دهه ۱۹۸۰ میلادی به مرز انفجار رسید و اسلام‌گرایان به صحنه بازگشتند. در این هنگام بود که زنان بیشتری در انظار عمومی با حجاب ظاهر شدند و اسلام، به وسیله حجاب زنان و یا به تعبیری با شکستن یک اصل مقدس کمالیست‌ها، توسط اسلام‌گرایان دوباره در جامعه ظاهر شد.

در ترکیه، در حالی که اسلام در قرن ۱۹ میلادی عاملی ضروری برای تعیین هویت ملت ترک بود، در قرن ۲۰ میلادی از جانب کمالیست‌ها به‌عنوان تهدید برای نظام جمهوری تلقی گردید. با این حال در سال‌های اخیر، اسلام سیاسی در فضای حکومتی و اجتماعی و فرهنگی ترکیه ظهور و بروز بیشتری یافته است. ورود نسل جدید سیاستمداران و مدیران دارای تمایلات اسلام‌گرایانه در صحنه سیاست و مدیریت جامعه در دهه ۸۰ میلادی و نزدیکی ترکیه به جهان

اسلام از آن زمان، نویدبخش بازگشت اسلام بود. هم‌زمان با بازگشت اسلام به صحنه سیاسی و اجتماعی ترکیه، شاهد افول اندیشه‌های کمالیسم و احیای مجدد طریقت‌های سنتی با صبغه اسلامی، گسترش شبکه مکاتب مذهبی و نهادهای رفاه اجتماعی و گسترش دموکراسی و مهم‌تر از همه شاهد گسترش اسلام میانه‌رو در ترکیه هستیم.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی روایت جدیدی از اسلام سیاسی، کمالیست‌ها را به چالش کشید. در سال ۱۹۹۶ میلادی، نجم‌الدین اربکان، برای یک سال نخست‌وزیر شد و در سال ۲۰۰۲ میلادی حزب عدالت و توسعه با گرایش‌های اسلامی خود توانست پیروزی بزرگی در انتخابات به‌دست آورد. همچنین رای دادگاه قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۰۶ نیز پیروزی بزرگ دیگری برای اسلام‌گرایان و به‌خصوص حزب عدالت و توسعه بود که در پی آن دادگاه قانون اساسی ترکیه، رای به عدم انحلال حزب عدالت و توسعه داد.

نقطه‌ای که هم اکنون اسلام‌گرایان در آن قرار گرفته‌اند، عقبه‌ای حدوداً ۳۰ ساله دارد و این جریان برای رسیدن به هدفش، راهی طولانی و دشوار و انزوای بلندمدتی را پشت سر گذاشته است. کودتای ژنرال کنعان اورن در سال ۱۹۸۸ میلادی را می‌توان نقطه آغاز تقابل جدی و ملموس لائیک‌ها با جریان اسلام‌گرایی در نظر گرفت که آخرین بار آن در جریان افشا شدن کودتای سال ۲۰۱۰ میلادی ژنرال‌های ستاد مشترک ارتش ترکیه بود که تعدادی از آنان دستگیر و مابقی آنان در سال ۲۰۱۱ میلادی از سمت خود استعفا دادند. ژنرال‌های ارتش ترکیه به‌طور سنتی خود را حافظ اصول و ارکان لائیسیم در ترکیه به حساب آورده و ابایی از اینکه به راحتی کودتا کنند نداشتند، اما از سال ۲۰۰۶ میلادی به بعد ارتش به تدریج موقعیت خود را از دست داده و در حال تبدیل شدن به یک نیروی نظامی صرف است.

پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که آینده اسلام سیاسی در ترکیه با توجه به اقدامات و سیاست‌های حزب عدالت و توسعه چگونه پیش‌بینی می‌گردد؟ در پاسخ، فرض بر آن است که سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... توانسته ضمانت خوبی برای آینده اسلام سیاسی در ترکیه باشد و اسلام‌گرایی در آینده ترکیه به‌عنوان مهره اصلی می‌تواند نقش بازی کند.

## پیشینه تاریخی

ترکیه کشوری است با فرهنگی غنی، مردمی اصیل و طبیعتی زیبا و متنوع. این سرزمین زیبا همچنین به‌عنوان مهد بسیاری از تمدن‌ها در طول تاریخ شناخته شده است. به‌واسطه موقعیت جغرافیایی، این کشور در واقع به‌عنوان پل ارتباطی شرق و غرب نقش ایفا نموده و ملت ترکیه به‌طور دایم با فرهنگ‌های بسیاری در ارتباط بوده است.

در طی قرون متمادی، سلاطین بسیاری آمده و رفته و هریک از خود ردی در این کشور بر جای نهاده‌اند. یک بخش فوق‌العاده و بسیار مهم تاریخ ترکیه مربوط به مرحله رشد کلیسای اولیه در این کشور است. در دوران امپراتوری روم، پولس رسول (پولس حواری) سفرهای بشارتی زیادی به سرزمینی که اکنون ترکیه خوانده می‌شود، داشت. کنستانتین در سال ۳۲۵ میلادی، امپراتوری رو به زوال روم را متحد و نیرومند ساخت. وی پایتخت روم نوین را به نام کنستانتینوپل که همان استانبول امروزی است، بنیاد نهاد. چند سده پس از کنستانتین، وقایع بسیاری در ترکیه رخ داد که هویت امروزی این کشور را شکل داد؛ ترک‌های سلجوقی کنستانتینوپل را تسخیر نموده و اسلام را به این منطقه معرفی کردند. پس از امپراتوری سلجوقی، امپراتوری عثمانی قدرت را در ترکیه به دست گرفت. امپراتوری عثمانی بزرگ‌ترین و مقتدرترین امپراتوری اسلامی در طول تاریخ بوده است. این امپراتوری تا اوایل ۱۹۰۰ میلادی ترکیه را تحت کنترل خود داشت. در بحبوحه آشوب‌های جهانی و داخلی، ترکیه به رهبری مصطفی کمال یا همان آتاتورک (به معنای لغوی پدر بزرگ)، به سوی دوران جدید هدایت شد. نفوذ و ایده‌های وی آنچه را ما امروزه به نام ترکیه می‌شناسیم، شکل بخشید.

در طول جنگ استقلال، اسلام به‌عنوان مشعل اصلی برای مبارزات رهایی‌بخش استفاده می‌شد و آتاتورک در آغاز مبارزه از احساسات مذهبی مردم و شیوخ بیرچیک و رهبران مذهبی بهره برد.<sup>۱</sup> ترکیه تقریباً ۷۵ میلیون جمعیت دارد که حدود ۷۵ درصد مردم سنی و ۲۰-۱۵ درصد علوی هستند. همچنین در ترکیه حدود ۷۵ درصد مردم ترک و ۲۰ نیز کرد هستند که بیشتر در جنوب شرقی و شرق کشور زندگی می‌کنند. گروه‌های قومی کوچک‌تر در ترکیه عبارتند از آذربایجانی‌ها در شمال شرق، لازها در شمال، اعراب در جنوب و ارمنی‌ها در استانبول.

## نظریات موجود در باب اسلام سیاسی

اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی به‌عنوان پدیده مهم سیاسی - اجتماعی در قرون ۲۰ و ۲۱ میلادی، باعث گردیده در محافل آکادمیک و علمی به‌خصوص در غرب مورد بررسی و تئوریزه‌شدن قرار گیرد و به‌طور عمده این مباحث روی بررسی اسلام‌گرایی در منطقه خاورمیانه متمرکز شده است که در این جا به چند نظریه مهم اشاره می‌کنیم.

### ۱. نظریات احیا

**الف. نظریه آرنولد توین بی:** وی قدیمی‌ترین نظریه‌پرداز است که در میانه قرن بیستم به تبیین مجدد اسلام در دهه‌های آینده و حتی پیش‌بینی شکست پروژه دین‌زدایی در کشورهای نظیر ترکیه پرداخت. وی پس از بررسی سیر تمدنی غرب و اسلام، با اشاره به وضعیت این دو پس از جنگ جهانی دوم بیان می‌دارد تمدن غرب از هر لحاظ برتری یافته و مسلمانان روحیه بالای تمدن‌سازی و حتی «هویت تمدن» خود را از دست داده‌اند.<sup>۲</sup> وی سپس توضیح می‌دهد هرگاه تمدنی در چنین محذوری واقع شود، یکی از دو عکس‌العمل زیر را نشان خواهد داد: نخست، «عکس‌العمل متعصبانه» نظیر وهابی‌های اولیه عربستان که بدون توجه به قدرت و ابزار تهاجم طرف مقابل به سوی ابزار و اعتقادات سنتی خود می‌روند و در نهایت محافظه‌کاری انجام می‌دهند؛ و دیگری «عکس‌العمل سازش‌کارانه» است که قصد دارد سوار موج غربی‌شدن شود و با گذشته خود کاملاً قطع ارتباط کند و به شکل تمدن غالب امروزی در آید. توین بی، آنچه را که در ترکیه در زمان آتاتورک انجام گرفت «انقلاب سازش‌کاری» می‌نامید که در آن رهبران سیاسی ترکیه با تمام امکانات کلیه مظاهر غربی را تقلید کرده و امیدوار بودند با این موج غرب‌گرایی به‌زودی به قافله تمدن صنعتی برسند، ولی این کار به دو دلیل محکوم به شکست است: نخست اینکه برنامه سازش‌کاری که عملاً نسخه غربی است، کار آسانی نبوده و می‌تواند با عکس‌العمل مردم مواجه شود؛ دوم اینکه، غربی‌ها نیز ملتی که از ریشه خود بریده شود و تلاش در تقلید همه‌جانبه دارد را به دیده احترام نمی‌نگرند. وی در نهایت با تردید در دو راه سازش‌کارانه و متعصبانه که باعث شکاف عمیق بین حکمرانان و توده مردم می‌شود، به راه حل

سوم که طبعاً بر هویت و پایه‌های اساسی کشورهای اسلامی بنا می‌شود، می‌رسد و معتقد است مسلمانان با توجه به ریشه‌هایی که دارند، باعث بروز خلاقیت‌های بی‌نظیر در تمدن بشر می‌شوند.<sup>۳</sup> نظریات توین بی در واقع توصیف عکس‌العمل‌های چندگانه مسلمانان در برابر برتری غرب است.

ب. **استاد شهید مطهری:** وی شرایط به وجود آمده در کشورهای اسلامی را نهضت اصلاحی مردمی می‌داند و پس از اشاره به آیات و روایاتی از معصومین (علیهم‌السلام) از اصلاح‌طلبی دینی به‌عنوان روحیه اسلامی یاد می‌کند؛ چرا که اصلاح‌گری به‌عنوان شأن پیامبری در قرآن مجید مطرح و مصداق امر به معروف و نهی از منکر است که از ارکان تعلیمات اجتماعی می‌باشد.<sup>۴</sup> وی پس از بررسی نهضت‌های صد ساله اخیر، خطر عمده جنبش‌های اصلاحی اسلامی را کشیده‌شدن به تفکرات وهابی‌گری و سلفی‌گری می‌داند.

ب. **خورشید احمد:** وی در نظریه‌اش با نام «تجدید حیات اسلامی» بر آن است سیاست استعماری اثرات مخربی را بر جوامع اسلامی گذاشته است. وی معتقد است دو نوع راهبرد در جوامع اسلامی وجود داشته است: یکی «راهبرد نوگرایی» که نخبگان به دنبال تقلید کامل از غرب بودند؛ و دیگری «راهبرد مقاومت حفاظتی» که هرگونه مظاهر پیشرفت غربی نفی می‌شد. اما معتقد است گروهی درباره غرب و دستاوردهای آن رهیافتی گزینشی دارند و خواستار ظهور اسلام به‌عنوان جنبش‌های اجتماعی - سیاسی و بازگشت به پیام اولیه اسلام هستند و این همان راهبرد تجدید حیات اسلامی است.

د. **فرهنگ رجایی:** وی معتقد است هجوم مدرنیته غرب عملاً سه طرز تفکر را در جوامع اسلامی ایجاد کرد: یکی معتقد به تقلید کامل از غرب بود؛ و دیگری معتقد بود با قدرت‌گرایی می‌توان مشکل را حل کرد که نمونه آن رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه و امان‌الله خان در افغانستان بودند؛ و سوم، راهکارها و شیوه‌ای بین این دو طرز تفکر بود که بر گرفتن نکته‌های مثبت غرب و رد نکته‌های منفی‌اش تاکید داشت.<sup>۵</sup> رجایی معتقد است سرگذشت جنبش‌های اسلامی را می‌توان در چهار دوره دنبال کرد که حاصل چهار نسل جنبش‌های اسلامی هستند:

نسل اول اعتماد به نفس زیادی ندارند و بر این اصرار دارند که غربی‌شدن با اسلام منافاتی ندارد؛ نسل دوم ضمن تاکید بر میراث سنتی خود به ردیه‌نویسی علیه تمدن غرب پرداخت اما

خود طرح جامعی نداشت؛ نسل سوم جنبش‌های اسلامی که بعد از جنگ جهانی دوم پا به عرصه گذاشت، جرات این را داشت که برنامه و نظریه‌های کلان‌ارایه دهد مثل حکومت اسلامی؛ و نسل چهارم پیچیده‌تر از دیگران فکر می‌کند و تنها به فکر حکومت‌داری نیست، بلکه به تمدن‌سازی هم فکر می‌کند که اکنون در حال شکوفا شدن می‌باشد و سیر تکاملی خود را دارند.<sup>۶</sup>

## ۲. نظریه‌های کلان‌نگر تاریخی

الف. **هرابر دکم‌جیان:** وی در نظریه‌اش مشهور به نظریه ادواری، می‌کوشد چارچوبی جامع درباره عوامل جنبش‌های اسلامی ارائه دهد. او اسلام‌گرایی جدید در کشورهای اسلامی را پدیده نوینی نمی‌داند، بلکه آن را جلوه معاصر جریانی تاریخی می‌داند که در دوران‌های خاصی ظهور و تحول یافته است. دکم‌جیان معتقد است در طول تاریخ جوامع مسلمان، در برابر هر سقوط و انحطاط یک جنبش فکری - سیاسی رستاخیزی به وقوع پیوسته است و این جنبش‌ها در شرایطی ظهور می‌کنند که جامعه اسلامی در یک محیط بحرانی گرفتار می‌آید. به‌علاوه، نقش بی‌نظیر رهبران فرهمند فکری و سیاسی در شکل‌گیری و تداوم حرکت‌های اسلامی را نمی‌توان نادیده گرفت. نظریه وی ابعاد داخلی گرایش‌های اسلامی را به خوبی تبیین می‌کند.

ب. **احمد موثقی:** وی نیز جنبش‌های اسلام در قرون اخیر را جریان اصلاح‌طلبی دینی اطلاق می‌نماید و این مساله را در برخورد با دو مساله محوری انحطاط داخلی و هجوم غرب می‌داند. وی واژه اصلاح در فرهنگ اسلامی و متون قرآنی را به معنای دگرگونی نظام اجتماعی و سیاسی موجود و ایجاد و استقرار نظم اجتماعی جدیدی می‌داند که معمولاً مترادف با انقلاب است. موثقی اصلاح‌طلبی دینی را در دو طیف فکری بنیادگرایی اسلامی که نوعی گرایش ارتجاعانه دارند و رادیکالیسم دینی، مورد بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است مصلحان و متفکرانی چون سیدجمال اسدآبادی، محمد عبده، کواکبی، نایینی، شهید مطهری و سرآمد آنان امام خمینی (ره) اگرچه در شعار و اهداف کلی بازگشت به اسلام اصیل و ناب و نیز وحدت مسلمانان با بنیادگرایان اشتراک دارند، به واسطه عنایت جدی به عقل، فلسفه، علم و علوم جدید، اجتهاد و نوآوری درون مایه‌های بسیار متفاوتی با بنیادگرایان دارند.

## چیستی اسلام سیاسی

اسلام سیاسی، گفتمانی است که حول مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این گفتمان مدعی است اسلام از نظریه سیاسی راجع به دولت و سیاست برخوردار است. از نظر این گفتمان، بازگشت به اسلام به عنوان تنها راه حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر تلقی می‌شود. آنچه موجب فعال‌سازی مجدد این قرائت در جغرافیای جهان اسلام شده، مواجهه مستقیم با فرهنگ و تمدن غرب است؛ چون گفتمان غرب‌گرایی در پی انتشار و اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای لیبرال - دموکراسی در کشورهای اسلامی بوده و هست.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ضدیت با اسلام و اسلام‌هراسی در جوامع غربی به اوج خود رسید و این حادثه را هشدار علی‌ه تمدن خود پنداشته و به مقابله برخاستند. رسانه‌ها و سیاستمداران غربی در تلاش بودند با برجسته‌سازی اقدامات برخی افراط‌گرایان در کشورهای اسلامی، مذهب را به عنوان تهدید واقعی علیه تمدن غرب مطرح سازند. به تعبیر دیگر، اسلام سیاسی گفتمانی است که در چارچوب اصول بنیادین اسلامی در مواجهه با تمدن غرب و مدرنیته، در جغرافیای جهان اسلام موجب فعال‌سازی ذهن و عمل مسلمانان و متفکران اسلامی شده است. دغدغه اصلی این گفتمان بازسازی جامعه اسلامی مطابق با مبانی و اصول اسلامی است.<sup>۷</sup> اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی واژگانی مترادف و متعارف هستند که به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

گفتمان اسلام سیاسی به رغم اشتراکات اساسی، در درون خود با تمایزات و تنوعات مواجه است، اما جملگی با رویکردی انتقادی به تمدن غرب می‌نگرند. در جهان اسلام بر اساس تلقی سنتی، اسلام دینی جامع تلقی شده و شامل مباحث سیاسی نیز می‌شود و این جزو مفروضات ماست و نزد اندیشمندان مسلمان، مذهب و سیاست جزو لاینفک اسلام هستند. می‌توان گفت اسلام سیاسی به عنوان گفتمان، بازتاب‌دهنده اندیشه و عمل مسلمانان در واکنش به سیاست و مسایل بین‌المللی است، اما با این حال هم در بعد سیاسی و هم در بعد مذهبی، قدرت یکپارچه و یک‌صدا وجود ندارد.

اسلام سیاسی در اینجا با این هدف و برنامه سیاسی که به دنبال استقرار یک نظام جهانی



اسلامی است، پیوستگی دارد. این هدف در دو سطح مرتبط دنبال می‌گردد: یکی چالش با حفظ وضع موجود در بین کشورهای اسلامی؛ و دیگری با ارایه یک شبکه ارتباطی فراملی در حال گسترش برای استقرار صلح و ثبات اسلامی در بین جهان غرب و مسلمان.

اسلام دیدگاه صریحی در مورد دولت اسلامی دارد. این دیدگاه که از شریعت اسلامی نشأت می‌گیرد، اعتقاد دارد مفاهیم وارداتی چون دموکراسی لیبرال غربی باید طرد گردند، اما اسلام‌گرایانی نیز وجود دارند که یک ارزیابی کارکردگرایانه از دموکراسی ارایه کرده‌اند و معتقدند جمع بین اسلام و یک نظام سیاسی تکثرگرا وجود دارد و حتی ادعا می‌کنند که اسلام و دموکراسی به طور دوجانبه به تقویت یکدیگر می‌پردازند. دغدغه اصلی اسلام سیاسی، هویت اسلامی و احیای آن و حکومت اسلامی است.

گفتمان اسلام سیاسی حاصل تعاملات در ساحت نظر و عمل است؛ بدین معنا که از یک سو عامل فعال‌سازی مجدد اذهان مسلمانان و جنبش‌های اسلامی است و از سوی دیگر، توسعه و گسترش آن در ساحت عمل محصول و برآیند فعال شدن جنبش‌های اسلامی است. بنابراین علاوه بر فعال نمودن جنبش‌ها و جریان‌های فکری در سطح جهان اسلام، موجب تحولات گسترده‌ای در سطح بین‌المللی شده است. اهمیت این مساله موجب طرح نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی درباره چیستی اسلام سیاسی و دلایل ظهور و رشد آن در جهان اسلام از سوی متفکران اسلامی و غربی شده است. هرچند اهمیت این پدیده در جهان اسلام و غرب به نوعی با هم تفاوت دارد؛ زیرا در جهان اسلام، اسلام سیاسی را به‌عنوان پدیده‌ای بومی می‌نگرند و آن را بازگشت به هویت گذشته اسلامی خویش تلقی می‌کنند در حالی که جهان غرب، اسلام سیاسی را پدیده‌ای مخوف و هراسناک جلوه می‌دهد و آن را تهدیدی جدی برای تمدن خویش می‌انگارد. اسلام سیاسی درصدد بازگرداندن دین به عرصه عمومی و در نتیجه ساختن هویت اسلامی در عرصه سیاسی است. از این رو اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی، گفتمانی است که اسلام را در کانون هویت و عمل سیاسی خود قرار می‌دهد.

می‌توان سه نوع کلی از اسلام سیاسی را بیان نمود:

۱. اسلام سیاسی انقلابی: این نوع از اسلام سیاسی برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است. پس

از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (قدس سره) در سال ۱۳۵۷ ه. ش، شکل جدید و الگوی نوینی از اسلام سیاسی به منصف ظهور گذاشته شد که حکومت و نظام سیاسی اسلامی و قوانین و روش اسلامی را در قالب حکومتی برآمده از انقلاب عرضه کرد و هدف آن ارایه الگوی جدید از اسلام است که در تمام ابعاد نمونه و نوع ایده‌آل گردد.

۲. اسلام سیاسی رادیکال (بنیادگرا): اسلام سیاسی بنیادگرا که مصداق حاضر آن گروه القاعده می‌باشد که تفکر غالب در بین آنان این است که باید به طور خشونت‌آمیز و با توسل به زور به مقابله با سلطه غرب پرداخت.

۳. اسلام سیاسی میانه (اعتدالی): این اسلام در پی پیوند زدن بین اسلام و مظاهر تمدن نوین است. نمونه‌های این نوع اسلام سیاسی در مالزی، اندونزی و ترکیه مشاهده می‌گردد که حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان با توجه به سابقه درخشان اسلام‌گرایان در نظام سیاسی ترکیه، نمونه مناسبی برای این نوع از اسلام سیاسی است.

حال، رشد اسلام‌گرایی در ترکیه را می‌توان معلول عوامل ذیل دانست:

۱. خیزش اسلامی در منطقه مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی و رشد حرکت‌های دینی در خاورمیانه؛

۲. کثرت‌گرایی و تعمیق دموکراسی؛ یعنی گذر از صورت استبداد تک‌حزبی به دموکراسی چندحزبی؛

۳. اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و آزادسازی اقتصادی؛ و

۴. تاثیر گسترش شهرنشینی بر ظهور گروه‌ها و نهادهای اسلامی.<sup>۸</sup>

### ویژگی‌های حزب عدالت و توسعه

ظهور حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در صحنه سیاسی ترکیه به‌عنوان یک حزب اسلام‌گرا، صفحه جدیدی از دفتر تاریخ فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرا در این کشور را گشود و این جریان را وارد مرحله جدیدی کرد. این مرحله جدید ویژگی‌های متمایزی نسبت به ادوار گذشته اسلام‌گراها دارد و از جهاتی در تاریخ تشکیل جمهوری ترکیه بی‌سابقه است.

می‌توان نکات تمایز حزب عدالت و توسعه نسبت به سایر جریان‌های اسلام‌گرا را در چند مورد بیان کرد که عبارتند از:

۱. حزب عدالت و توسعه اولین حزب اسلام‌گرای ترکیه است که از زمان تاسیس جمهوری ترکیه تاکنون به تنهایی اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس را در انتخابات پارلمانی به‌دست آورده و موفق شده است بدون ائتلاف با احزاب دیگر دولت را تشکیل دهد. حتی سایر احزاب مطرح و قدرتمند این کشور نیز در بیست و اندی سال گذشته و از زمان تورگوت اوزال به بعد نتوانسته بودند در انتخابات پارلمانی به تنهایی به این توفیق دست یابند. این امر باعث شد حزب عدالت و توسعه از آسیب‌های یک دولت ائتلافی که معمولاً شکنندگی و سقوط را در پی دارد، مصون مانده و برای تشکیل دولت و معرفی کابینه نیازی به ائتلاف با احزاب دیگر نداشته باشد و لذا تاکنون توانسته برنامه‌های خود را پیش ببرد.

۲. حزب عدالت و توسعه موفق شد برای اولین بار به‌عنوان یک حزب اسلام‌گرا تمامی ارکان قدرت و حکومت را در ترکیه به دست گیرد که این موفقیت با به دست آوردن کرسی ریاست جمهوری و ورود عبدالله گل، مرد شماره دو حزب، به کاخ چانکایا (کاخ ریاست جمهوری ترکیه) مصادف است. قابل ذکر است که در ترکیه به‌رغم برگزاری انتخابات و حاکمیت دموکراسی، باز هم اصل تفکیک قوا مصداق ندارد و به نوعی دموکراسی ترکیه پارلمانی است که در آن هر حزبی که بتواند در انتخابات پارلمانی، اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس را تصاحب نماید، می‌تواند دولت و ریاست جمهوری و نهادهای وابسته به آن را نیز به دست گیرد.

با توجه به اینکه دولت و کابینه را حزب پیروز در انتخابات پارلمانی تشکیل می‌دهد و رییس جمهور را نیز همان مجلس بر می‌گزیند، این موفقیت بزرگ نصیب حزب عدالت و توسعه شده و رهبران توانسته‌اند بر تمامی ارکان حکومت مسلط شوند که بر این اساس ارتش و دستگاه‌های امنیتی، نهادهای متولی دانشگاه و ... که معمولاً در گذشته داعیان قدرتمند حفاظت و صیانت از لائیسزم تلقی می‌شدند، زیر نظر اسلام‌گرایان قرار گرفتند.

۳. حزب عدالت و توسعه از پشتوانه و حمایت قوی مردمی در ترکیه برخوردار است و اکثریت مردم بنابر نظرسنجی موسسات آمار ترکیه، از این حزب قویاً حمایت می‌کنند که این حمایت

می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد؛ از جمله اینکه مردم ترکیه به دنبال چند دهه عملکرد ضعیف احزاب لاییک، تشنه روی کار آمدن جریانی سالم با مدیریتی کارآمد و گره‌گشا به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی بودند که این گمشده خود را در عملکرد رهبران حزب عدالت و توسعه یافتند.

در سال ۲۰۰۲ میلادی زمانی که حزب عدالت و توسعه در انتخابات پیروز شد، برقراری ثبات اقتصادی و عضویت در اتحادیه اروپا را به‌عنوان دو اصل مهم سیاسی خویش قرار دادند.

پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۰۷ میلادی و انتخاب عبدالله گل به‌عنوان یازدهمین رئیس‌جمهور ترکیه، حلقه اقتدار حزب حاکم را علاوه بر پارلمان و مقر نخست‌وزیری، به کاخ ریاست جمهوری نیز تسری دادند و برای نخستین بار در تاریخ جمهوری ترکیه، رئیس‌جمهور این کشور نه از حلقه نظامیان و نه از حلقه سیاسیون لاییک، بلکه از درون یک حزب اسلام‌گرا انتخاب شد. همچنین حزب عدالت و توسعه در دوره اقتدار خود توانست علاوه بر حوزه سیاسی در حوزه اقتصادی و رسانه‌ای نیز فعال شده و پیروز گردد، به طوری که کنترل بیش از نیمی از رسانه‌های این کشور را در دست گیرد.

همچنین حزب عدالت و توسعه توانست ارتش را در چارچوب موازین مرتبط با عضویت در اتحادیه اروپا، از یک حالت نیروی نظامی تعیین‌کننده منازعات سیاسی داخلی به یک ارتش حرفه‌ای مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور تبدیل کند و در سال ۲۰۱۰ میلادی نیز تعدادی از افسران و ژنرال‌های ارتش را در پی توطئه برای کودتا دستگیر کند، که این باعث استعفای جمعی دیگر از فرماندهان ارتش ترکیه در سال ۲۰۰۱ شد و عبدالله گل نیز با آن موافقت کرد و باعث عدم تکرار کودتا همانند دوران‌های گذشته گردید.

اقدامات حزب عدالت و توسعه باعث اقبال عمومی به این حزب شده است، به طوری که هفته‌نامه آمریکایی *آگوس* در نظرسنجی که قبل از انتخابات سال ۲۰۰۷ انجام داد، عنوان نمود ۶۰ درصد مردم ترکیه و حتی بیشتر اقلیت‌های دینی در این کشور طرفدار حزب عدالت و توسعه می‌باشند.<sup>۹</sup> حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی خود نیز توانست نقش مهم و کلیدی بازی کند. تعمیق روابط با غرب و گسترش حضور در مناطق مهم دنیا همچون خاورمیانه و آسیای مرکزی، با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تحت عنوان رهنامه عمق راهبردی

داوود اغلو، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار گردید. مهم‌ترین و محوری‌ترین نکته این رهنامه این بود که ارزش‌های ملی یک کشور در روابط بین‌الملل تحت تاثیر موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوکالچرال آن ملت قرار دارد. بر همین اساس ترکیه به علت دارا بودن موقعیت ژئوپولیتیک، ژئوکالچرالیک، ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک بسیار حساس، می‌تواند نقش بسیار مهمی در منطقه خاورمیانه و در ارتباط با غرب بازی کند که نمونه این را در نقش فعال ترکیه در جریان انقلاب‌های منطقه خاورمیانه دیدیم و اینکه مدل ترکیه به‌عنوان یک الگوی مورد انتخاب و پذیرش برای رهبران انقلابیون از جمله مصر و تونس در آمده است. به‌علاوه، این رهنامه بر اهمیت پیوندهای تاریخی و فرهنگی دیرینه ترکیه با مناطق بالکان، آسیای مرکزی و خاورمیانه تاکید می‌نماید.<sup>۱۰</sup>

به طور کلی می‌توان محورهای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را چنین برشمرد:

۱. تلاش برای برقراری ارتباط و عضویت در اتحادیه اروپا؛

۲. روابط با ایالات متحده؛

۳. مقابله با تروریسم؛

۴. روابط با ایران و سوریه و داشتن نقش فعال در سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط

با این دو کشور؛

۵. روابط با روسیه؛ و

۶. روابط با خاورمیانه و موضع‌گیری و داشتن نقش فعال در جریان انقلاب‌های اعراب.<sup>۱۱</sup>

مشخصه‌های اصلی سیاست داخلی حزب عدالت و توسعه عبارتند از:

۱. تعامل سازنده با جریان‌های داخلی از جمله جماعت نور و جنبش گولن؛<sup>۱۲</sup>

۲. تقویت وحدت ملی و برادری؛

۳. عدم تبعیض میان اقشار و اقلیت‌ها؛

۴. اصلاح سریع و همه‌جانبه قوه قضاییه؛

۵. مبارزه با باندهای مافیایی و جرایم سازمان یافته و غیرقانونی؛

۶. تلاش جهت تمرکززدایی و تقویت ادارات محلی؛

۷. تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی؛ و

۸ کاهش بدی‌های خارجی.

### آینده اسلام سیاسی در ترکیه

امروزه حزب عدالت و توسعه برای محافل سیاسی بسیار آشناست که اقدامات آنان و موفقیت‌های به دست آمده توسط آن، باعث شده است یک الگو و سرمشق برای اسلام‌گرایان و جنبش‌های اسلامی گردد و همچنین اردوغان و یارانش نشان دادند که پدیده اسلام‌گرایی نه یک موج گذرا و مقطعی بلکه حرکتی ریشه‌دار و عمیق بوده است.

رفتار ترکیه و به‌خصوص دولت آن در ارتباط با تحولات منطقه عربی — اسلامی سؤالات و گمانه‌زنی‌های زیادی را در میان تحلیل‌گران مسایل منطقه‌ای به وجود آورد. بعضی با استناد به هم‌خوانی مواضع دولت‌های اوباما و اردوغان در این تحولات، معتقدند دولت اردوغان در پازل و برنامه‌ای آمریکایی گرفتار شده است. بعضی با استناد به مواضع ضد سوری ترکیه معتقدند ترکیه در صدد جلب نظر موافق آمریکا، اروپا و عربستان برای نقش آفرینی در جایگاه «رهبری تحولات منطقه» است. بعضی با اشاره به اظهارات ملاطفت‌آمیز اخیر مقامات ارشد رژیم صهیونیستی نسبت به دولت ترکیه معتقدند دولت آنکارا آرام آرام به سمت غرب کشیده شده و اردوغان در صدد است آنچه را غرب تاکنون از دولت او دریغ می‌کرده — ورود به اتحادیه اروپا — به او بدهد. بعضی هم گفته‌اند عملکرد اخیر ترکیه و هماهنگی رفتار آن با غرب را باید در حد «تاکتیک» مورد توجه قرار داد نه به‌عنوان یک راهبرد. در این بین ملت‌های مسلمان مایل هستند حرکت دولت ترکیه را از این منظر آخر نگاه کنند.

می‌توان چنین ادعا کرد با توجه به شرایط موجود و کامیابی‌های حزب عدالت و توسعه، اسلام سیاسی به‌عنوان یک بازیگر مهم در صحنه سیاسی ترکیه باقی خواهد ماند و در ترکیه تکامل یافته‌تر گردیده و نشان داده است که نسبت به سایر کشورهای اسلامی در تلفیق اسلام‌خواهی و دموکراسی توفیق بیشتری داشته و امروزه حزب عدالت و توسعه و به تعبیری دولت اردوغان، تبدیل به جریان اصلی در ترکیه شده است. از همین رو بیش از آنکه اسلام‌گرایان

باید ملاحظه سیستم لاییک ترکیه را بکنند، دیگر زمان آن رسیده که سیستم سیاسی و حقوقی ترکیه ناچار شود ملاحظه بازگشت و نفوذ اسلام سیاسی در این کشور را داشته باشد. لازم به ذکر است که اسلام‌گرایی در ترکیه لایه‌های مختلفی دارد و از عقلانیت بالایی برخوردار است و با هوشمندی، ترکیه را به سمت جایگاه اسلامی آن در منطقه سوق می‌دهد.

در بیان نمایندگان قیام اخیر مصر و تونس، یک چیز واضح است و بارها با صدای بلند اعلام شده که ترکیه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای آنان باشد. این را هم راشد الغنوشی در روز ورود به تونس گفت و هم مقامات اخوان المسلمین بارها بیان کرده‌اند. این محدود به مصر و تونس هم نیست. در مراکش حزبی هم نام با «عدالت و توسعه»، رهبری اپوزیسیون را به عهده گرفته و از اردوغان الگو می‌گیرد. نظرسنجی‌های اخیر نشان از محبوبیت کم‌نظیر اردوغان در میان اعراب دارد.<sup>۱۳</sup>

اسلام‌گرایی جریان اصلی و فراگیر خاورمیانه است که اینک به تشکیل دولت‌هایی در خاورمیانه نایل گردیده و روند انقلاب‌ها و اتفاقات در کشورهای عربی در چند ماهه اخیر نیز موید تلاش اسلام‌گراها در تشکیل دولت اسلامی است که ترکیه تلاش گسترده‌ای می‌کند تا بتواند مدل خود را به‌عنوان بدیل برای کشورهای انقلابی عرب به کرسی عمل بنشاند. به طور مثال، رویکردی که به‌شدت برای مصر پس از مبارک ترویج و تجویز می‌شود، همان مدل ترکیه است که وزارت خارجه ترکیه از اندیشمندان و متفکران مصری دعوت به عمل آورد تا برای آشنایی با تجارب حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به این کشور سفر کنند.

سیاست خارجی ترکیه در دوران اردوغان به شکلی حرکت می‌کند که «توازن» به نشانه و الگوی رفتار بین‌المللی این کشور تبدیل شده است. توازن در این چارچوب به معنای حرکت سیاست خارجی در جهت بهره‌گیری از عناصر هم‌گرا برای تعمیق نفوذ و افزایش منافع ملی است. بر این اساس، سیاست خارجی ترکیه در دوران سوم دولت اسلام‌گرایان با توجه به عواملی مانند باز شدن فضای تعاملی این کشور در حوزه منطقه‌ای، مشروعیت‌سازی بین‌المللی و توجه به توازن نیروهای منطقه‌ای و جهانی، سبب وسعت بخشیدن به منافع ملی این کشور شود.

با توجه به پیروزی‌های حزب عدالت و توسعه در چند سال اخیر، فاکتورهایی برای اثبات آینده روشن اسلام‌گرایان در ترکیه می‌توان برشمرد که مهم‌ترین آنان عبارتند از:

۱. در بعد اقتصادی ترکیه به‌رغم اینکه ذخایر نفت ندارد و تولیدکننده نفت به حساب نمی‌آید، تولید ناخالص ملی آن بسیار بالاست و این محصول سیاست‌های اقتصادی حزب عدالت و توسعه است. اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۰۲ میلادی در مرحله فروپاشی قرار داشت، اما تنها در طول نه سال پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان، به رتبه ۱۵ اقتصاد جهان ارتقا یافت.

۲. سیستم حکومتی در ترکیه بر اصول مردم‌سالاری، دموکراسی و حاکمیت قانون استوار است و این مسایلی است که حزب عدالت و توسعه نصب العین خود قرار داده و خود را ملزم به آن دانسته و حقوق اقلیت‌ها را لحاظ کرد.

۳. ترکیه در عرصه سیاست خارجی با در پیش گرفتن سیاست اعتدال‌گرایی با آمریکا، ایران، اتحادیه اروپا و ... روابط دارد و همچنین اعتراضات شدید اردوغان به اسرائیل باعث شده است نزد افکار عمومی مردم در منطقه خاورمیانه از جایگاه ممتاز و خوبی برخوردار باشد.

۴. حزب عدالت و توسعه توانست نقش ارتش ترکیه را به حمایت از تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدات خارجی محدود و ارتش را از عرصه سیاست دور کند که این نوید بخش پیاده کردن هرچه بیشتر قواعد دموکراسی است.

اما ترکیه اردوغان و اسلام‌گرایان با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند که باید به آن فایق آیند. بزرگ‌ترین چالشی که ترکیه با آن مواجه است از میراث کمالیزم که استفاده از یک مدل غربی برای مدرن کردن ترکیه بود، نشأت می‌گیرد. این مدل طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته دچار بحران شده و کارکرد گذشته خود را از دست داده و ترکیه به دنبال مدل جدیدی برای توسعه است تا مورد قبول اکثریت مردم باشد.

مساله کردها اگرچه نسبت به ۱۰ سال گذشته از شدت آن کاسته شده است، ولی هنوز هم ادامه دارد. کاهش مساله از طرفی به علت کاهش قدرت PKK و زندانی شدن اوجالان است و از طرف دیگر، توجه به کردها توسط شاخه میانه‌رو حزب اسلامی رفاه که در حال حاضر حاکم است، می‌باشد. از جمله آنها داشتن رسانه و مدارس کرد زبان است. برای مثال، اخیراً اردوغان برای اولین بار در یک اقدام انقلابی - در سخنرانی انتخاباتی خود - چند جمله کردی به کار برد؛



درحالی که چند ماه قبل از آن که یک عضو پارلمان در مورد وحدت کردها و ترک‌ها جملاتی به زبان کردی بیان کرد، او را دستگیر کردند.

البته این روند با مخالفت‌هایی نیز روبه‌روست؛ از جمله جناح سنتی کمالیست‌ها که این آشتی با کردها را برای ترکیه مضر می‌داند و اردوغان را خائن می‌نامد.

بخشی دیگری از مشکل پیش روی راه حل مساله کردها، نظام حقوقی ترک‌هاست با ایدئولوژی کمالیزم سنتی است که احزاب کرد را غیر قانونی اعلام کرده است؛ نه به سبب اینکه فعالیت غیرقانونی دارند، بلکه به علت اینکه کرد هستند. در نتیجه کردها هیچ راه قانونی برای شرکت در مسایل سیاسی و تعیین سرنوشت خود ندارند. چالش دیگر که تاثیر زیادی در سیاست‌های ترکیه دارد، نقش نیروهای مسلح است که پشت پرده قدرت را در دست دارند.

چالش بعدی سیستم حقوقی جانبدارانه ترکیه است که توسط کمالیست‌های سنتی اداره می‌شود و برای بازسازی ترکیه جدید قابل اتکا نیست. چالش آخر، رابطه بین دین و سیاست است. اگرچه کمالیست‌ها ادعای سکولاریسم و جدایی دین و سیاست را دارند، در عمل این جدایی وجود ندارد. روند کمالیزم سنتی ضددینی بود، به طوری که آتاتورک در مقابل همه مردم الکل می‌خورد تا بگوید با اسلام مخالف و دین تحت نظر حکومت است و حکومت، دین را به‌نحوی که می‌خواهد کنترل می‌کند و اسلام‌گرایان باید بتوانند این چالش را حل کنند.

### نتیجه‌گیری

پس از پیروزی اسلام‌گرایان به رهبری حزب عدالت و توسعه در ترکیه، معادلات سیاسی این کشور به سود اسلام‌گرایان دگرگون شده است. دولت اردوغان پس از کسب پیروزی‌های متعدد در عرصه‌های سیاسی و به‌خصوص اقتصادی در ترکیه محبوبیت گسترده‌ای دارد. همچنین سیاست خارجی متوازن که ترکیه در حیطه منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌کند، توانسته جایگاه ممتازی برای آن کشور به ارمغان آورد.

اسلام سیاسی در ترکیه ماهیتی مدرن و متعادل دارد و اسلام‌گرایان همیشه در تلاش بودند

اسلام را با اصول دموکراسی پیوند زنند. همچنین رشد اسلام سیاسی در ترکیه کاملاً ریشه داخلی دارد که عوامل داخلی آن عبارتند از: رشد اقتصادی و تغییرات سیاسی و اجتماعی.

ماهیت اسلامی حزب عدالت و توسعه سبب گردیده که این حزب حمایت گسترده‌ای بین گروه‌های مختلف جامعه ترکیه به دست آورد و این حمایت فراتر از حمایت‌های مذهبی، قومی و یا طبقه‌ای می‌باشد، به طوری که این حزب توانسته در یک زمان حمایت گروه‌های فقیر، محافظه‌کار، اقلیت‌ها، تجار و بازرگانان معروف و ... را به دست آورد. سیاست اقتصاد بازار آزاد و حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌ها توسط حزب عدالت و توسعه روی دیگر اسلام سیاسی را به نمایش گذاشت. انتخاب حزب اردوغان طی سه دوره متوالی در واقع انتخابی در برابر جریان سکولاریزم بوده و پیام آن «اسلام خواهی مردم ترکیه» است و طبعاً رهبران حزب عدالت و توسعه نمی‌توانند از روند اسلام‌گرایی در منطقه فاصله بگیرند و کماکان از حمایت مردم مسلمان برخوردار باشند. اگر روند تحولات ترکیه به همین ترتیب پیش برود، حمایت وسیع و گسترده گروه‌های مختلف اجتماعی از حزب عدالت و توسعه سبب می‌گردد که دموکراسی با ثبات اسلامی در این کشور شکل گرفته و در آینده نیز، هم به‌عنوان مهره اصلی تحولات قدرت در ترکیه باشد و هم الگوی کشورهای اسلامی دیگر.

فاصله گرفتن از اسلام‌گرایی و ایفای نقش در پازلی که مردم آن را متعلق به آمریکا می‌دانند و نیز ادامه نقش ضد سوری آنکارا، ترکیه را با دو چالش پر قدرت داخلی و منطقه‌ای مواجه می‌گرداند. مهم‌ترین دشمن روابط صمیمی میان ترکیه و منطقه و به‌خصوص روابط فعال تهران - آنکارا، غرب و رژیم صهیونیستی است و از این رو در کنار بروز بعضی از رفتارهای غیرمنطقی در دولت ترکیه، غرب با برجسته‌سازی بعضی از عبارات و سپس تمرکز شدید روی آنها، تلاش می‌کند ترکیه را که دارای ظرفیت مناسبی برای کمک به مسلمانان است، به نقطه مقابل مسلمانان و علیه خیزش دینی آنان کشیده و جهان اسلام را تضعیف کند.

در پایان می‌توان گفت که سه کشور تاثیرگذار در آینده خاورمیانه ایران، ترکیه و مصر خواهند بود و مصر با بازخوانی و بازتعریف موقعیت ژئوپلیتیک، دوران سرخوردگی‌های تاریخی را سپری کرده و با احراز هویت سیاسی - اجتماعی و تاریخی، از جمله ممالک مهم دنیای عرب و اسلام خواهد بود که به تولید ادبیات سیاسی و منطقه‌ای دنیای عرب خواهد پرداخت.

پاورقی‌ها:

1. Doğan Duman, *Demokrasi Sürecinde Türkiyede İslamilik*, Dokuz Eylül Yayınlan, İzmir, 1991, S23.
۲. برای اطلاع از نظریات آرنولد توین بی ر. ک. به:  
Library 1953 Civilization on Trial; new American Arnold Toynbee.
۳. برای اطلاع بیشتر ر. ک. به کتاب درس‌های سیاست خارجی نوشته توین بی، دز: محمدجواد لاریجانی، درس‌های سیاست خارجی، تهران: نشر مشکات، ۱۳۷۷، صص ۲۵۱ - ۲۲۷.
۴. مرتضی مطهری، *مروری اجمالی بر نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، قم: صدرا، ۱۳۸۹، ص ۵
۵. فرهنگ رجایی، «جنبش‌های اسلامی» (کنفرانس علمی)، قم: موسسه عالی باقرالعلوم، ر. ک. به: *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۰، صص ۲۲۰ - ۲۰۹.
۶. همان، صص ۲۲۰ - ۲۱۹.
۷. الحامی احمد حسین یوسف، *النظام السياسي فی الاسلام*، لندن: موسسه الفجر، ۱۴۱۲.
۸. ر. ک. به: محمدرضا زارع، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۳.
9. Ziya Onis Globalizing Democracy, "Party Politics in Emerging," in Perspective Peter Brunel, pp. 145-149, Democracies London (Routledge) 2006 Middle Eastern, *The Strategic Depth in Turkish Foreign Policy*.
10. Alexander Morison, Studies How did we get here? In The European Union: How Does it Work, no. 6. vol. 42, 2006, pp. 945-974
11. [http://www.tccb.gov.tr/Foreign policy](http://www.tccb.gov.tr/Foreign%20policy)
۱۲. ر. ک. به: محمد نورالدین و سید حسین موسوی، *ترکیه جمهوری سرگردان*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳.
13. [www.hashemimadani.net](http://www.hashemimadani.net)